

آثار تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر مرور زمان شکایت

سید محمد مهدی موسوی عبدالآبادی*

چکیده

وفق ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه شاکی ظرف مدت یک سال از تاریخ آگاهی از وقوع جرم اقدام به طرح شکایت کیفری ننماید حق شکایت کیفری وی ساقط می‌گردد، مقرر قانونی مزبور در حقوق کیفری اصطلاحاً مرور زمان شکایت کیفری نامیده می‌شود. مرور زمان از جمله مواردی است که در صورت حصول شرایط قانونی آن مقام تحقیق امکان رسیدگی به بزه ارتكابی را ندارد و فارغ از صحت موضوع مطروحه و بدون ورود به ماهیت شکایت، باید حسب شق (ث) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب متهم یا متهمین را صادر نماید. یکی از ارکان مرور زمان شکایت کیفری قابل گذشت بودن بزه ارتكابی می‌باشد که امروزه با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و تبدیل بسیاری از جرائم غیرقابل گذشت به قابل گذشت اختلافاتی را در این خصوص پدید آورده است. حال باید بررسی نمود که تحولات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری چه اثری بر مرور زمان شکایت کیفری دارد؟ طبیعتاً تفسیر به نفع متهم و عطف به ماسبق شدن قوانین شکلی کیفری موضوع مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقتضا می‌نماید شکایاتی که پس از تصویب قانون یادشده به محاکم دادگستری ارجاع می‌شود و تاریخ بزه مقدم بر تصویب قانون مذکور می‌باشد و مضافاً سابق بر آن بزه‌ی غیرقابل گذشت بوده و سپس با اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی قابل گذشت گردیده‌اند در صورت حصول شروط

* قاضی دادگستری و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، ایران
mousavi.m1997@yahoo.com

ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مشمول مرور زمان شکایت کیفری گردند. در همین راستا با بررسی دادنامه صادره از شعبه چهارم بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۱۴ تهران به بیان ادله و مبانی مورد استناد رأی صادره و تطبیق آن با موضوع مورد بحث خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: مرور زمان شکایت، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، جرائم قابل گذشت، قرار موقوفی تعقیب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بدون تردید، مسئله مرور زمان کیفری یکی از مباحث مهم و اختلاف‌برانگیز حقوق جزا می‌باشد که می‌تواند همانند شمشیر دو لبه عمل کند، گاهی بیم تجری مجرمین را از میان برمی‌دارد و نظم عمومی و امنیت جامعه را مختل می‌کند و قبح ارتکاب جرم را از میان می‌برد و گاهی نیز باعث تنبیه و اصلاح مرتکبین می‌گردد. پیشینه وضع مقررات راجع به مرور زمان شکایت کیفری به سال ۱۳۵۲ و تصویب قانون اصلاح قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ بازمی‌گردد. ماده ۴۸ قانون مزبور برای نخستین بار در سابقه تقنینی ایران به بیان مقررات راجع به مرور زمان شکایت کیفری پرداخته است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و با بررسی قوانین توسط شورای نگهبان، در سال ۱۳۶۱ طی نظریه شماره ۷۲۵۷ شورای نگهبان^۱ مرور زمان خلاف شرع تشخیص داده شد و هرچند که نظریه مزبور در خصوص مرور زمان مدنی می‌باشد اما قانون‌گذار با تأسی از نظریه یادشده در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ سخنی از آن مرور زمان کیفری و انواع آن به میان نیاورد (مصدق، ۱۳۹۴: ۲۸۹). اما مجدداً در سال ۱۳۷۸ با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در مواد ۱۷۳ و ۱۷۸ و ۶ مرور زمان صرفاً در خصوص مجازات‌های بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی پذیرفته شد (حائری ۱۳۸۴: ۲). درنهایت قانون‌گذار قواعد راجع به مرور زمان کیفری را در مواد ۱۰۵ الی ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر نموده است که نسبت به قوانین قبلی در این خصوص کامل‌تر می‌باشد. احکام راجع به مرور زمان شکایت کیفری به‌عنوان یکی از انواع مرور زمان کیفری در ماده ۱۰۶ قانون مزبور ذکر شده است. به‌طور خلاصه مرور زمان شکایت کیفری عبارت است از مدتی که اگر شاکی در آن ظرف زمانی قانونی اقدام به طرح شکایت کیفری ننماید، حق شکایت وی زائل می‌گردد. یکی از شروطی که وجود آن با جمع سایر شرایط باعث حکومت مرور زمان شکایت

۱. مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال - بیست سال - سه سال - یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد.

می‌شود، قابل گذشت بودن بزه ارتكابی است، عمده موارد جرائم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ قانون اخیرالذکر احصا گردیده‌اند و ماده مزبور در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاح گردید و تعداد بسیاری از جرائم به فهرست جرائم قابل گذشت اضافه گردیدند که با نظر به عطف به‌ماسبق شدن قواعد راجع به مرور زمان این اصلاح قانونی بر اهمیت موضوع مرور زمان شکایت کیفری افزوده است. با تصویب قانون یادشده و تحولات آن از جمله تبدیل تعدادی از جرائم غیرقابل گذشت به قابل گذشت شکایاتی که پس از تصویب این قانون به محاکم دادگستری تقدیم می‌گردد در صورتی که از مدت زمان آگاهی از وقوع بزه یک سال گذشته باشد مشمول مرور زمان شکایت کیفری می‌گردد زیرا عطف به‌ماسبق شدن قوانین کیفری شکلی و بند (ت) ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً این حکم را مقرر داشته است.

در خصوص موضوع مورد بحث تحقیق مستقلی با این عنوان انجام نشده است اما علی‌خالقی در کتاب آیین دادرسی کیفری خود در سال ۱۳۹۸ و همچنین محمد مصدق در کتاب آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ به ذکر مباحثی از مرور زمان شکایت کیفری پرداخته‌اند. در سال ۱۳۹۷ محمدعلی مهدوی ثابت همراه جابر بیگی در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تحولات احکام مرور زمان در حقوق کیفری ایران مباحثی از مرور زمان شکایت کیفری را بیان نموده‌اند. در منابع یادشده و سایر منابع بهره‌برداری شده در این تحقیق که غالباً قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نگارش یافته‌اند به موضوع عطف به‌ماسبق شدن قوانین کیفری و همچنین تبدیل جرائم غیرقابل گذشت به قابل گذشت و آثار آن پرداخته نشده است، حال بر آنیم تا در این نوشتار به بررسی تأثیر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر مرور زمان شکایت و همچنین تأثیر قاعده عطف به‌ماسبق شدن قواعد شکلی کیفری بر مبحث مارالذکر بپردازیم.

۱. دادنامه موضوع بحث

۱.۱. گردشکار

در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۹ آقای الف ی به وکالت از آقای الف پ شکوائیه‌ای علیه

آقای الف خ دائر بر جعل و استفاده از اوراق مجعول تقدیم دادسرا نمود. شاکی در شرح شکایت خود اظهار داشته است در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ مبیعه‌نامه‌ای در خصوص ملکی تجاری با مشتکی‌عنه منعقد کرده است و در آن حق فسخی در صورت عدم کارسازی چک‌ها برای فروشنده پیش‌بینی نگردیده است و مشتکی‌عنه پس از انعقاد قرارداد حق فسخی را در این خصوص به مبیعه‌نامه الحاق نموده است و متعاقب آن با طرح دعوی حقوقی تأیید فسخ در محاکم عمومی حقوقی مبیعه‌نامه منعقد را فسخ نموده است. و به جهت الحاق بندی به مبیعه‌نامه، در خصوص بزه جعل و از لحاظ ارائه آن سند به دادگاه در رابطه با بزه استفاده از اوراق مجعول درخواست رسیدگی کیفری را مطرح نموده است. شعبه بازپرسی با در مسیر تحقیقات قرار دادن پرونده و استعلام پرونده مطروحه میان طرفین از شعبه ۱۵۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به دعوی تأیید فسخ رسیدگی نموده است و مطالعه پرونده مزبور با استناد به ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند (ث) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده است.

۲.۱. متن و مشخصات دادنامه

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۰۰۹۳۱۷۱

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

اتهام: جعل و استفاده از اوراق مجعول

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه چهارم بازپرسی دادسرا ناحیه ۱۴ تهران

متن رأی

«در خصوص شکایت آقای الف پ علیه آقای ال خ دائر بر جعل و استفاده از اوراق مجعول عادی پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت لذا قطع نظر از صحت و سقم موضوع اتهام انتسابی و تحقیقات معموله توسط بازپرس محترم قبلی شعبه و نظر به این که شاکی اظهار داشته است مشتکی‌عنه اقدام به افزودن شرط فسخ در ذیل قرارداد بیع منعقد می‌ان داشته طرفین مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۶ کرده است و سپس با طرح دعوی تأیید فسخ نزد شعبه

محترم ۱۵۶ فسخ نموده است، حال با عنایت به دلایل آتی‌الذکر در خصوص بزه‌های جعل و استفاده از اوراق مجعول قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد:

اولاً حسب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرائم جعل و استفاده از اوراق مجعول (هر دو ناظر بر اوراق عادی) در زمره جرائم قابل گذشت قرار گرفتند و از طرفی نیز حسب ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه شاکی یک سال پس از آگاهی از وقوع جرائم قابل گذشت اقدام به طرح شکایت کیفری ننماید حق شکایت کیفری وی ساقط می‌گردد.

ثانیاً در ما نحن فیه حسب اظهارات طرفین در پرونده به شماره بایگانی، شعبه محترم ۱۵۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران مشخص گردید تاریخ طرح دعوی حقوقی و وصول دادخواست و ضمائم آن به شاکی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۷ بوده است و از طرفی نیز رأی صادره از سوی آن شعبه محترم حضوری بوده است که خود مؤید آگاهی شاکی از مباحثه‌نامه و الحاقات ادعایی آن می‌باشد.

ثالثاً با عنایت به ماده ۱۳ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که صرف وصول پیامک به دستگاه مخاطب را ابلاغ واقعی می‌داند و باتوجه به این‌که تاریخ وصول پیامک مربوط به تیرماه سال ۱۳۹۷ می‌باشد و حسب دادنامه صادره توسط شعبه محترم ۱۵۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران در همان سال و همچنین اظهارنامه ارسالی توسط مشتکی‌عنه به شاکی قبل از طرح دعوی حقوقی، جملگی مشعر بر آگاهی شاکی از وقوع بزه می‌باشد.

رابعاً در هیچ‌یک از مراحل دادرسی بدوی و تجدیدنظر حقوقی شاکی ادعای جعل در خصوص مباحثه‌نامه استنادی را مطرح ننموده است.

خامساً با عنایت به این‌که شاکی در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۹ و پس از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اقدام به طرح شکایت کیفری نموده است و حسب مقررات مواد ۱۰ و بند(ت) ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد قواعد مربوط به مرور زمان فوراً عطف به‌ماسبق می‌گردد و نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۰۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۳۱ اداره محترم حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید و مؤکد آن است.

سادساً باتوجه به این‌که حسب نص صریح ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی، موضوع مرور زمان شکایت کیفری ناظر بر زمان آگاهی از بزه می‌باشد و تکمیل و استمرار بزه تأثیری در آن ندارد و موضوعاً متفاوت از مرور زمان تعقیب کیفری که نقطه مقابل مرور زمان شکایت می‌باشد و همچنین حکم موضوع این ماده متفاوت از ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که تاریخ اتمام بزه را مبدأ مرور زمان شکایت کیفری می‌دانست می‌باشد و در ما نحن فیه زمان آگاهی از بزه‌های جعل و استفاده از اوراق مجعول در سال ۱۳۹۷ بوده است و مبدأ مرور زمان شکایت کیفری از آن تاریخ می‌باشد و در این خصوص تفاوتی میان جرائم مستمر، آنی و استمرار یافته وجود ندارد.

بنا علی ما ذکر موضوع مضمول مرور زمان شکایت کیفری بوده است و قابلیت رسیدگی ندارد. النهایه مستنداً به ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند(ث) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و الحاقات و اصلاحات بعدی قرار موقوفی تعقیب متهم صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف مدت ۱۰ روز قابل اعتراض در محاکم محترم کیفری دو شهرستان تهران می‌باشد.»

۲. نقد و بررسی رأی

۱.۲. مرور زمان شکایت کیفری

منظور از مرور زمان گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از سپری شدن آن حق اقامه شکایت سلب می‌شود و یا تعقیب متهم یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می‌گردد. (مصدق، ۱۳۹۴: ۲۲). استادی در کتاب آیین دادرسی کیفری خود در خصوص معنای مرور زمان چنین اشعار داشته است: اصولاً مرور زمان عبارت است از انقضاء مدتی از تاریخ وقوع جرم یا تاریخ قطعیت حکم که پس از آن، متهم دیگر قابل تعقیب و یا حکم دیگر قابل اجرا نخواهد بود (خالقی، ۱۳۹۸: ۸۶). پس به طور خلاصه مرور زمان شکایت کیفری موضوع ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را می‌توان این گونه تعریف نمود، مضمی مدت زمانی که پس از آن حق شکایت کیفری بزه دیده ساقط می‌گردد و دیگر امکان طرح شکایت کیفری در مراجع کیفری ساقط می‌گردد. در آخرین اراده قانون گذار یعنی در سال ۱۳۹۲ و با تصویب قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۰۶ احکام راجع به این موضوع به نحو مفصلی مطرح گردید. در قانون سابق، یعنی ماده ۴۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ موعده شش ماه لحاظ شده بود که در مقام قیاس باید بگوییم به نظر می‌رسد با توجه مسئله تزیاید پرونده‌ها و عنایت به کافی بودن مدت شش ماه برای شاکی در جرائم قابل گذشت و تصمیم گیر راجع به شکایت از متهم یا گذشت از او، مهلت شش ماه قانون سابق با مصالح عمومی و شلوغی بیش از حد محاکم دادگستر سازگاری بیشتر دارد (مهدوی ثابت و بیگی، ۱۳۹۷: ۵).

۲.۲. شرایط اعمال مرور زمان شکایت کیفری

ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سه شرط را جهت اعمال مرور

زمان شکایت کیفری لازم می‌داند، این شروط عبارت‌اند از تعزیری بودن بزه ارتكابی، قابل گذشت بودن جرم، مضي مدت یک ساله از تاریخ آگاهی بزه‌دیده، و عدم طرح شکایت کیفری در مدت یک سال مزبور که در صورت جمع شرایط یادشده شکایت مطروحه توسط شاکی در دادسرا و یا حسب مورد در دادگاه قابلیت پیگیری و تعقیب نخواهد داشت. حال به اختصار به بررسی شروط مزبور می‌پردازیم:

۱.۲.۲. تعزیری بودن بزه ارتكابی

صدر ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرور زمان شکایت کیفری را صرفاً در خصوص جرائم تعزیری قابل اعمال دانسته و حدود، قصاص و دیات را از دایره شمول آن خارج نموده است ماده ۱۸ قانون اخیرالذکر در تعریف تعزیرات چنین اشعار می‌دارد: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به‌موجب قانون در موارد ارتكاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به‌موجب قانون تعیین می‌شود. پس اولین شرط جهت ورود به ورطه مرور زمان شکایت کیفری، تعیین تعزیری بودن بزه ارتكابی می‌باشد و مقام تحقیق بدو باید نسبت به بررسی آن اقدام نماید. و این موضوع مشمول حدود و قصاص و دیات نمی‌گردد چراکه مجازات حدی برای خداوند است و حقوق الله به هیچ‌وجه تعطیل نمی‌شوند و در مورد قصاص و دیه نیز باید گفت چون این دو حق الناس هستند پس گذشت زمان نمی‌تواند حق افراد را از بین ببرد (قدمی عزیزآباد، ۱۳۹۶: ۵). در رأی صادره نیز باتوجه به این‌که بزه‌های جعل و استفاده از اوراق معجول هر دو تعزیری می‌باشند لذا شرط بدوی جهت ورود به مسئله احراز می‌گردد.

۲.۲.۲. قابل گذشت بودن جرم

جرائم قابل گذشت همان حق الناس و جرائم غیرقابل گذشت، حق الله می‌باشند. پیشینه تقسیم‌بندی جرائم به قابل گذشت و غیرقابل گذشت در حقوق کیفری ایران به سال ۱۲۹۰ هجری شمسی برمی‌گردد که قانون‌گذار اصل را بر غیرقابل گذشت بودن جرائم نهاده بود و سپس ۶۰ جرم قابل گذشت را استثنا و احصا کرده بود (فروغی، ۱۳۸۳: ۱۱۹) پس از انقلاب اسلامی، قانون‌گذار در سال ۱۳۶۲ با تأسی از ملاک‌های فقهی و اسلامی عبارت جرائم حق الله را در خصوص جرائم غیرقابل گذشت و حق الناس را در خصوص جرائم قابل گذشت مطرح نمود (زراعت، ۱۳۸۴: ۱۰۲). پس

از تعیین نوع جرم از باب تعزیری یا غیر تعزیری بودن، باید به بررسی قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن آن بزه پرداخت. تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرائم قابل گذشت را چنین تعریف می‌نماید: جرائم قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. از طرفی نیز طبق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری شروع به تحقیق در جرائم قابل گذشت منوط به شکایت بزه دیده می‌باشد.^۱ جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت توسط قانون‌گذار احصا می‌شوند، ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به بیان جرائم قابل گذشت پرداخته است و گاهی نیز در قوانین خاص به قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن بزه موضوع آن قانون تصریح می‌گردد. بنابراین اگر بزه ارتكابی قابل گذشت باشد با حصول شرایط آتی مشمول مرور زمان شکایت کیفری خواهد گردید. در تفسیری دیگر در مانحن فیه نیز با عنایت به این‌که حسب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ جرائم جعل و استفاده از اوراق معجول قابل گذشت تلقی گردیدند، شرط مزبور نیز موجود می‌باشد.

۳.۲.۲. عدم شکایت شاکی ظرف مهلت یک ساله

اگر بزه‌دیده در مدت یک سال از تاریخ آگاهی از وقوع بزه اقدام به طرح شکایت کیفری ننماید حق شکایت کیفری وی ساقط می‌گردد. شرط حاضر باعث بروز پیچیدگی‌های عملی بسیاری برای محاکم شده است زیرا قانون‌گذار برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ مبدأ مرور زمان شکایت کیفری را تاریخ آگاهی از وقوع بزه دانسته و قانون سلف مبدأ را بر تاریخ وقوع بزه قرار داده بود. با نظر به این‌که آگاهی امری درونی است و احراز آن توسط مقام تحقیق بسیار دشوار است، این موضوع باعث بروز اختلافاتی میان نویسندگان شده است. اما آن‌چه که مسلم است، بنا بر نص صریح ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی که تاریخ آگاهی از وقوع بزه را صراحتاً مبدأ مرور زمان شکایت قرار داده است و از رویه قانون سابق عدول نموده است مقام تحقیق باید باتوجه به امارات قضایی و قانونی به تاریخ آگاهی بزه‌دیده نائل آید. در این مسیر می‌توان از اظهارات شاکی، شهود و متهم و همچنین اسناد موجود

۱. ماده ۱۲: تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

در پرونده یاری جست. اما باید توجه داشت که باعنایت به اصل عدم، بار اثبات آگاهی شاکی از وقوع جرم بر عهده طرف مقابل می‌باشد (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۵۷) در رأی صادره با استناد به امارات قانونی نظیر ماده ۱۳ دستورالعمل استفاده از سامانه‌های مخابراتی یا رایانه‌ای جهت ابلاغ آگاهی شاکی مفروض پنداشته شده است همچنین با عنایت به ماده ۶۷ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که ابلاغ به خواننده را همراه با دادخواست نخستین و ضامنه آن معتبر می‌داند نیز اماره‌ای بر این موضوع می‌باشد که با ابلاغ به خواننده دعوی تأیید فسخ (شاکی شکایت) وی از مفاد دادخواست و ضامنه آن که همان مبیعه‌نامه متنازع‌فیه جعلی می‌باشد آگاه بوده است.

۳. مرور زمان شکایت در جرائم آنی

جرائم را می‌توان از جهات مختلف تقسیم‌بندی کرد. مثلاً از لحاظ عنصر مادی می‌توان جرم را به فوری، مستمر و به عادت و یا به دلیل بساطت و پیچیدگی به ساده و مرکب تفکیک نمود (نوربها، ۱۳۸۹: ۲۳۰). جرائم آنی به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌گردد که در وقتاً یا با فاصله زمانی کوتاهی محقق می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۰۷). همچنین جرائم آنی را می‌توان این چنین تعریف نمود: جرائم آنی جرائمی هستند که عنصر مادی آن از نظر زمان وقوع، قابل تجزیه نیست و در زمان واحد اتفاق می‌افتند و نتیجه بلافاصله پس از وقوع جرم به دست می‌آید و جرم کامل می‌شود (صانعی، ۱۳۷۱: ۳۷۵). جرائم نظیر قتل، سرقت، توهین و افترا از جمله جرائم آنی محسوب می‌گردند. در خصوص محاسبه مبدأ مرور زمان شکایت در جرائم آنی با پیچیدگی‌های زیادی مواجه نیستیم زیرا از طرفی در این جرائم لحظه وقوع جرم مشخص و قابل تمیز می‌باشد و از طرفی باعنایت به تصریح ماده ۱۰۶ ملاک محاسبه شروع مرور زمان، هنگام آگاهی شاکی از وقوع بزه می‌باشد. در مانحن‌فیه در آنی بودن بزه جعل شکی وجود ندارد زیرا منطبق با شرایط و تعاریف یادشده می‌باشد. بزه استفاده از اوراق مجعول حسب نظر برخی از اساتید جرم آنی تلقی می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۳۸۰) که نظریه مشورتی شماره ۷/۴۵۳۰ مورخ ۱۳۸۹/۰۷/۲۸ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید آن می‌باشد.^۱ در رأی صادره نیز فارغ

۱. فعل مادی جعل و استفاده از سند مجعول در طول زمان تکرار نمی‌شود، اگرچه ممکن است آثار آن باقی بماند، لذا

در زمره جرائم آنی است.

از این‌که بزه‌های جعل و استفاده از اوراق مجعول آنی در خصوص محاسبه مبدأ مرور زمان، مستمر محسوب گردیده‌اند، به این نکته اشاره شده است که اصلاً نوع جرم تأثیری در تحقق مرور زمان شکایت ندارد زیرا مرور زمان شکایت ناظر بر آگاهی از وقوع بزه می‌باشد و نه استمرار آن که متعاقباً به شرح مبانی این استدلال خواهیم پرداخت.

۴. مرور زمان شکایت در جرائم مستمر

جرم مستمر عبارت از فعل یا ترک فعلی است که در طول زمان استمرار دارد و مبین قصد سو و مستمر فاعل است همانند آدم‌ربایی و یا استفاده غیرقانونی از لباس نیروهای نظامی (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۰۷). در جرائم مستمر هر لحظه عناصر سه‌گانه تحقق بزه یعنی عناصر مادی، معنوی و قانونی تکرار می‌شود، گویی در هر لحظه مرتکب در حال تکرار جرم است. مبدأ محاسبه مرور زمان در بزه مستمر کمی متفاوت‌تر می‌باشد. همان‌طور که در تعریف این‌گونه جرائم آمده است هر لحظه جرم در حال وقوع است و سؤالی که پیش می‌آید این است که لحظه وقوع جرم کدام است؟ لحظه اولین تحقق عناصر سه‌گانه یا آخرین لحظه؟ به عنوان مثال در بزه اخفاء مال مسروقه که جرمی مستمر است لحظه وقوع بزه را باید چه زمانی در نظر بگیریم؟ لحظه‌ای که مرتکب برای اولین بار مال مسروقه را در مخفیگاه قرار می‌دهد یا زمانی که مال مسروقه کشف می‌شود؟ همان‌طور که در بند سادس رأی مورد بررسی به آن اشاره نموده‌ایم، آن‌چه که مسلم است این است که قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ رویه‌ای را پیش گرفته است که موضوعات فوق را بلاثر می‌کند. ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبدأ شروع مرور زمان شکایت را یک سال پس از آگاهی متضرر از بزه می‌داند و لذا در این بحث تفاوتی نمی‌کند که بزه آنی باشد یا مستمر و صرفاً لحظه آگاهی بزه‌دیده ملاک است بنابراین تفاوتی در نوع بزه ارتكابی وجود ندارد و هر لحظه که آگاهی بزه‌دیده محقق گردید تا یک سال حق شکایت وی محفوظ است. اما نظراتی مغایر با نظر یادشده وجود دارد، در کتاب حقوق جزای عمومی چنین بیان داشته شده است: «مرور زمان شکایت منصرف به جرائم آنی است بنابراین در جرم مستمری نظیر ترک انفاق، یا تصرف عدوانی یا آدم‌ربایی مادامی که مرتکب در حال ارتکاب جرم است، حق شکایت شاکی یا وارث باقی می‌ماند.» (سبزواری نژاد، ۱۳۹۳: ۳۰۸) که این نظریه همسو با

رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۶۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۰ اداره محترم حقوقی قوه قضاییه می‌باشد که ذیلاً به تشریح آن‌ها می‌پردازیم:

۵. نقد نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۶۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ اداره محترم حقوقی قوه قضاییه

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۶۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۰ اداره محترم حقوقی قوه قضاییه اشعار می‌دارد: «سقوط حق شکایت کیفری مذکور در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ منصرف به جرائم آنی است نه جرائم مستمر، بنابراین در جرائمی نظیر ترک انفاق و تصرف عدوانی، مادام که مرتکب در حال ارتکاب عنصر مادی جرم است، حق تعقیب کیفری برای شاکی و متضرر از جرم کماکان باقی است و مشمول مرور زمان تعقیب شکایت به استناد مرقوم در فوق نمی‌گردد». نظریه مزبور همسو با نص صریح قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد، زیرا که ماده ۱۰۶ قانون اخیرالذکر به صراحت تاریخ آگاهی از وقوع جرم را مبدأ مرور زمان دانسته است و حسب توضیحات سابق در خصوص جرائم مستمر مشخص گردید که در جرائم مذکور، بزه در هر لحظه در حال ارتکاب است و به عبارتی واقع می‌گردد و قانون‌گذار نیز به صورت عام از عبارت جرائم استفاده کرده است که خود مؤید عدم اختصاص حکم آن به جرائم آن می‌باشد. همچنین با در نظر گرفتن مبدأ مرور زمان شکایت کیفری که همان آگاهی از تاریخ وقوع جرم می‌باشد و مبدأ مرور زمان تعقیب که تاریخ تکمیل جرم می‌باشد، می‌توان به تفاوت نقطه آغازین مواعد مرتبط با مرور زمان شکایت و تعقیب پی برد. نظریه یادشده در خصوص مرور زمان تعقیب صادق است زیرا همان‌طور که تشریح گردید مبدأ آن پایان بزه و یا به عبارت دیگر تکمیل آن می‌باشد و در این خصوص میان جرائم آنی و مستمر و استمرار یافته تفاوت‌های مبرهنی موجود است و این نظریه قابل دفاع می‌باشد. اما در خصوص مرور زمان شکایت کیفری که حسب نص صریح ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مبدأ آن آگاهی از وقوع بزه می‌باشد و در این میان تفاوتی میان نوع جرم وجود ندارد ولو اگر بزه مستمر باشد، حتی در فرض اخیر نیز بزه تحقق یافته است و بزه‌دیده از آن آگاه گشته است و محملی جهت گسترش دامنه مبدأ

مرور زمان وجود ندارد. و مضافاً این که تفسیر اداره محترم حقوقی مخالف با تفسیر مضیق نصوص کیفری و ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می باشد زیرا تفسیر به نفع متهم مشعر بر آن است که باتوجه به عدم تخصیص قانون گذار، انواع جرائم خواه آنی یا مستمر مشمول مرور زمان شکایت کیفری باشند. به نظر می رسد نظریه مزبور تحت تأثیر رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور باشد که در بند آتی به نقد آن خواهیم پرداخت.

۶. بررسی رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹

رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۸۱/۰۳/۰۷ اشعار می دارد: «طبق ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری جرائمی که مجازات آن ها از نوع بازدارنده باشد با حصول مرور زمان تعقیب آن ها موقوف می شود هر چند تجاوز به اراضی ملی شده و تصرف عدوانی آن اراضی با مورد لحاظ قرار دادن ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی دارای مجازات بازدارنده است ولی چون جرم مذکور از جرائم مستمر می باشد و تا وقتی که تصرف ادامه دارد موضوع مشمول مرور زمان نخواهد شد علی هذا رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان صرفاً از حیث نقض رأی صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی دائر به موقوفی تعقیب به اکثریت آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور نتیجتاً قانونی تشخیص و مستنداً، به ماده ۲۷۰ قانون مزبور در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است». رأی مزبور با تأسی از ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ صادر گردیده است در قانون مزبور مبدأ مرور زمان شکایت کیفری از تاریخ وقوع جرم محاسبه می گردیده است و لذا رأی وحدت رویه صادره مطابق با ماده قانونی حاکم در آن زمان بوده است و امروزه باتوجه به نسخ قانون مزبور اجرای آن محلی از اعراب ندارد و قابلیت تعمیم آن نسبت به ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فاقد اعتبار است. بنابراین، امروزه مطابق با ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ملاک محاسبه مبدأ مرور زمان شکایت کیفری، آگاهی از تاریخ وقوع جرم می باشد و در این خصوص نوع بزه ارتكابی نظیر آنی، مستمر و استمرار یافته تأثیری ندارد و اگر در یک جرم مستمر که شاکی در سال ۱۳۹۷ متوجه آن

گردیده است و طرح شکایت کیفری نکرده باشد دیگر قابلیت تعقیب کیفری ندارد ولو این که جرم مزبور همچنان در حال وقوع باشد.

۷. عطف به ماسبق شدن قوانین راجع به مرور زمان کیفری

طبق اصل کلی عدم عطف به ماسبق شدن قوانین، قوانین کیفری بر ماقبل خود اثری ندارند و آثار آن ناظر بر آینده است، اما اصل مزبور استثنائاتی دارد که ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان استثنا اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین اشعار می‌دارد: «قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرا حکم پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی ت- قوانین مربوط به مرور زمان». موارد یادشده اصولاً در زمره قوانین شکلی قرار می‌گیرند که مربوط به تشریفات تعقیب، دادرسی و صدور حکم می‌باشند. یکی از این موارد که حسب ماده مزبور احصا شده است قوانین مربوط به مرور زمان می‌باشد. قوانین مربوط به مرور زمان نیز در فرضی که قانون سابق جرم یا جرائمی را مشمول قواعد مرور زمان نمی‌شناخته فوراً به اجرا گذاشته می‌شود لیکن اگر قانون لاحق مدت مرور زمان را افزایش دهد نسبت به جرائم سابق اعمال نخواهد شد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۲۴۷). بنابراین از دو جهت قوانین راجع به مرور زمان فوراً عطف به ماسبق می‌شوند از یک جهت به علت این که این قواعد، شکلی بوده و طبق اصول کلی عطف به ماسبق می‌گردد و از طرف دیگری اصولاً قواعد راجع به مرور زمان به نفع متهم بوده و حسب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوانین به نفع متهم فوراً عطف به ماسبق می‌گردند. پس اگر قانون سابق مدت مرور زمان شکایت را یک سال مقرر نموده بوده است و قانون لاحق آن را به ۶ ماه تقلیل داده باشد و بزه دیده نیز از وقوع بزه آگاه شده باشد و اقدام به طرح شکایت کیفری نکرده باشد پس از لازم‌الاجرا شدن قانون جدید و مزی مدت ۶ ماه از آگاهی از وقوع بزه شکایت کیفری مطرح نکرده باشد حق شکایت کیفری وی مستند به بند (ت) ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ناظر بر ماده ۱۰۶ همان قانون ساقط می‌گردد. سوالی که اینجا مطرح می‌گردد این است که اگر طبق قانون لاحق جرائم غیرقابل گذشت واجد وصف قابل گذشت گردند، آن گاه وضعیت مواد ۱۱ و ۱۰۴ و ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی چه خواهد شد؟ آیا

شاکي همچنان حق شكايـت كـيفـري خواهـد داشـت يا با مـضي مدت يـك سال حق وى بهـصـورت خودكار ساقـط گرديـده اسـت؟ در اين خـصـوص بدوْا به بررسـى قـانـون كـاهـش مجازات حبس تعزيرى مصوب ۱۳۹۹ كه شمار عـديـدهـاى از جـرائـم غـيرقـابل گذشت را تبـديـل به قابل گذشت نموده است مى پردازيم.

۸. اصلاحات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (اصلاح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) كه در تاريخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و پس از تصویب شورای نگهبان در تاريخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۲ توسط رئیس جمهور ابلاغ گردیده است مشتمل بر ۱۵ ماده می باشد. محتوای مواد قانون مزبور اصلاح پاره‌ای از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و كتاب پنجم آن يعنى قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ می باشد. ماده ۱۱ قانون مزبور با اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی موجی از اختلافات را میان محاکم دادگستری پدید آورد. ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری جرائمی نظیر كلاهبرداری تا مبلغ ۱ میلیارد ریال، جعل و استفاده از اوراق مجعول عادی، خیانت در امانت، تصرف عدوانی، تخریب و تحریق عمدی و.. را كه سابقاً از جرائم غیرقابل گذشت محسوب می گشتند را قابل گذشت مطرح نموده است. همان طور كه پیش تر توضیح داده شد مرور زمان شكایت كیفری صرفاً در خصوص جرائم قابل گذشت مطرح می شود و در جرائم غیرقابل گذشت راهی ندارد. حال با این تغییر و تبدیل در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، جرائمی كه پس از تصویب این قانون واقع شوند نظیر جعل و استفاده از اوراق مجعول عادی مشمول مرور زمان شكایت كیفری می گردند. اما مسئله‌ای كه بسیار حائز اهمیت می باشد در خصوص جرائمی است كه سابق بر تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری واقع گردیده‌اند و غیرقابل گذشت محسوب می گشتند و با تصویب قانون مزبور قابل گذشت شده‌اند مبدأ مرور زمان شكایت كیفری در خصوص آن‌ها از زمان آگاهی بزه‌ديده محاسبه می گردد ولو قبل از تاریخ تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری باشد. همان طور كه در بند خامس رأی صادره نیز به این موضوع اشاره شده است. در همین راستا نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه اشعار

می‌دارد: «مبدأ مرور زمان شکایت در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشخص شده است و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حکم خاصی در خصوص مبدأ مرور زمان شکایت ندارد و از سوی دیگر تغییر وصف جرم غیرقابل گذشت به جرم قابل گذشت در قانون لاحق در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ از مصادیق قوانین مساعد به حال متهم موضوع ماده ۱۰ این قانون محسوب می‌شود؛ بنابراین در فرض استعلام که شاکی تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون لاحق (قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) شکایت خود را مطرح نکرده است، چنان‌چه تا این تاریخ مواعد مذکور در ماده ۱۰۶ این قانون سپری شده باشد، موجب قانونی جهت تعقیب کیفری متهم وجود نداشته و باید قرار موقوفی تعقیب صادر شود». بنابراین اگر شاکی در مدت یک‌ساله اقدام به طرح شکایت در خصوص جرم غیرقابل گذشت نکند و به‌موجب قانون جدید بزه واقع شده قابل گذشت گردد مدت یک‌ساله از زمان وقوع بزه محاسبه و موضوع مشمول مرور زمان طرح شکایت کیفری می‌گردد. در همین راستا اداره محترم حقوقی قوه قضاییه در ذیل نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۰۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۳۱ چنین اشعار داشته است: «باتوجه به بند «ت» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی قوانین مربوط به مرور زمان نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود. بنابراین با لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسبت به کلیه جرائم تعزیری که در نتیجه کاهش درجه مجازات آنها، مواعد مرور زمان نیز کاهش یافته باشد، مواعد انواع مرور زمان - شکایت، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم - مطابق درجات جدید مجازات محاسبه می‌شود».

نتیجه

مرور زمان شکایت کیفری به‌عنوان یکی از انواع مرور زمان کیفری مدت یک‌ساله‌ای را برای بزه‌دیده در نظر گرفته است تا از زمان آگاهی از وقوع بزه تعزیری قابل گذشت اقدام به طرح شکایت کیفری نماید و در غیر این صورت حق شکایت کیفری وی ساقط می‌گردد. این نوع از مرور زمان صرفاً در تعزیرات قابل گذشت مجری خواهد بود و در سایر جرائم محلی از اعراب ندارد، حسب تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی جرائم قابل گذشت عبارت‌اند از جرائمی که شروع

به تعقیب و اجرای حکم در خصوص آن منوط به شکایت و درخواست شاکی می‌باشد. ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن یعنی ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به احصاء جرائم قابل گذشت پرداخته است. مرور زمان شکایت کیفری در جرائم مستمر و آنی اجرا خواهد شد زیرا ملاک مبدأ مرور زمان شکایت کیفری در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی زمان آگاهی بزه‌دیده از وقوع جرم می‌باشد که این موضوع برخلاف ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور می‌باشد که مرور زمان شکایت را صرفاً در خصوص جرائم آنی می‌دانسته‌اند می‌باشد. فلذا در این خصوص تفاوتی میان بزه تصرف عدوانی و تخریب وجود ندارد و هر دو این جرائم یک سال پس از آگاهی از وقوع بزه، مشمول مرور زمان شکایت کیفری می‌گردند. با نظر به این که قوانین راجع به مرور زمان از جمله قوانین شکلی و به نفع متهم می‌باشند لذا حسب ماده ۱۰ و بند (ت) ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عطف به ماسبق می‌شوند و این موضوع در خصوص قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که برخی جرائم را که سابقاً غیرقابل گذشت بوده‌اند، قابل گذشت محسوب نموده است از اهمیت بسزایی برخوردار است. در صورتی که تاریخ وقوع جرم مقدم بر تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری باشد و بزه‌دیده ظرف تاریخ یک سال از آگاهی از وقوع جرم اقدام به طرح شکایت ننماید، هر چند که در زمان وقوع بزه، جرم غیرقابل گذشت بوده است و پس از آن قابل گذشت شده است لذا چون قوانین راجع به مرور زمان عطف به ماسبق می‌شوند، موضوع مشمول ماده ۱۰۶ می‌گردد.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۱، چاپ ۴۰، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- حائری، مسعود (۱۳۸۴)، "مرور زمان کیفری در حقوق کنونی ایران ابهامات، کاستی‌ها و چاره‌جویی‌ها"، **مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)**، شماره ۷۶.
- خالقی، علی (۱۳۹۸)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ ۴۰، تهران: انتشارات شهر دانش.
- زراعت، عباس و حمیدرضا حاجی‌زاده و یاسر متولی جعفرآباد (۱۳۸۳)، **قانون آیین دادرسی کیفر در نظم حقوقی کنونی**، تهران: خط سوم.
- سبزواری نژاد، حجت (۱۳۹۳)، **حقوق جزا عمومی**، چاپ ۱، تهران: انتشارات مجد.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۱)، **حقوق جزا عمومی**، جلد ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- فروغی، فضل‌اله (۱۳۸۴)، "جرائم قابل گذشت در حقوق ایران"، **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، دوره ۲۱، شماره ۲ (پیاپی ۴۱)، ویژه‌نامه حقوق.
- قدمی عزیزآباد، مصیب (۱۳۹۶)، **بررسی مرور زمان در حقوق کیفری ایران**، با تأکید بر مرور زمان تعقیب، بی‌جا.
- مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۱)، "حق‌الله و حق‌الناس"، **مجله حقوق**، سال ۱.
- مصدق، محمد (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ ۶، تهران: انتشارات جنگل.
- مهدوی ثابت، محمدعلی و جابر بیگی (۱۳۹۸)، "بررسی تحولات احکام مرور زمان در حقوق کیفری ایران"، **آموزه‌های حقوقی گواه**، سال ۵، شماره ۲ (پیاپی ۹).
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶)، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۸۹)، **زمینه حقوق جزا عمومی**، چاپ ۱، تهران: نشر کانون وکلا دادگستری مرکز.